

بهداشت و علوم پزشکی ایرانی در اروپا (مطالعه موردی: محدوده جنگ‌های صلیبی)^۱

نسرین حسینی نیاسر^{۲*} ID، ابوالفضل اصل علیزاده^۳ ID

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷

چکیده

می‌توان جنگ‌های صلیبی را با وجود خشونت‌ها، کشتارهای بی‌رحمانه و حتی نداشتن پیروزی قاطعی برای مسیحیان، نقطه عطفی در تاریخ اروپا دانست؛ که باعث تحولات نوینی در اروپای قرون وسطی شد. مهم‌ترین اتفاق، جدا از دگرگونی در عرصه‌های سیاسی، علوم، ادبیات، هنر و معماری، پیشرفت در عرصه بهداشت و علوم پزشکی بود. اروپاییانی که جراحی را شغلی غیرشرافتمندانه می‌دانستند و از نظر آن‌ها جراح به اندازه جلاد منفور بود، تحت تأثیر دانشمندان مسلمان و ترجمه کتب پزشکی که در صدر آن‌ها قانون ابن‌سینا قرار داشت و از همه مهم‌تر مشاهده مداوای جنگجویان توسط پزشکان مسلمان، وارد مرحله جدیدی شدند؛ تا جایی که حمام عمومی ساختند و به دستور پاپ اینوستنس سوم بیمارستان بنا کردند و از شیوه‌های نوین پزشکی که ره‌آورد جنگ‌های صلیبی بود، حتی مدت‌ها بعد از شروع رنسانس هم استفاده کردند، مانند استفاده از الکل به جای پماد تخم‌مرغ و گل سرخ، که بیشتر باعث عفونت زخم می‌شد. بی‌شک مسیحیان در رویارویی با مسلمانان از دانش و اندیشه اسلامی بهره فراوان بردند و طی قرون آینده آن را اعتلا بخشیدند. لذا این پژوهش بررسی علل پیشرفت بهداشت و علوم پزشکی در اروپای دوره قرون وسطی در خلال جنگ‌های صلیبی با شیوه و روش توصیفی و تحلیلی معمول در پژوهش‌های تاریخی با تکیه بر منابع و کتاب‌های موجود در کشور است.

کلیدواژه‌ها: بهداشت، پزشکی، مسلمانان، صلیبیان، ایرانیان

۱- حسینی نیاسر، نسرین؛ اصل علیزاده، ابوالفضل (۱۴۰۴). بهداشت و علوم پزشکی ایرانی در اروپا (مطالعه موردی: محدوده جنگ‌های صلیبی)، فصلنامه تحقیقات تاریخ ایران دوره اسلامی، دوره دوم، شماره سوم (پیاپی ۵)، تهران: ص ۸۱-۹۴.

۲- گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: nasrin.hoseini@iaui.ac.ir

۳- گروه تاریخ، دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: Asl.alizadeh.abolfaza@sub.ac.ir

مقدمه

در طی دو قرن، جنگ میان مسلمانان و مسیحیان بر سر تصرف اورشلیم (بیت‌المقدس) که به جنگ‌های صلیبی معروف شد و شخصیت‌های تأثیرگذاری چون صلاح‌الدین ایوبی، لوئی هفتم، کنراد سوم، فردریک دوم و پاپ اوربان دوم را درگیر خود کرد، وقایعی رخ داد که پیامدهای آن خصوصاً برای اروپای قرون وسطی بسیار مفید بود. جنگ اول صلیبی، از دانون در ایتالیا شروع شد و در نهمین جنگ در اسکندریه پایان یافت. نبردهایی که باعث کشته شدن انسان‌های زیادی شد، در ظاهر پیروز واقعی نداشت اما واقعیت این است که صلیبیان شاید بهترین نتایج را در کل تاریخ سیاسی خود کسب کردند. مسیحیان که در آن روزگار حتی از ساده‌ترین مسائل بهداشتی و پزشکی محروم بودند با علوم پزشکی شرق آشنا شدند. مسلمانان پزشکی و بهداشت را از ایران باستان وام گرفتند؛ به راستی این امانت‌داران بر علم پزشکی ایران باستان افزودند و مسیحیان را هم از این علم محروم نکردند. مقاله حاضر به بررسی تاریخچه علم پزشکی دوران باستان، شرحی مختصر از چگونگی جنگ‌های صلیبی و در مهم‌ترین قسمت به بیان تأثیر علم پزشکی مسلمانان بر صلیبیان طی جنگ‌های صلیبی می‌پردازد. مقاله همراه با مقدمه و نتیجه‌گیری و فهرست منابع تهیه شده که امید است بتواند حداقل تأثیر علم پزشکی مسلمانان بر دانش اروپائیان در خلال جنگ‌های صلیبی را بازگو نماید.

در راستای موضوع سئوالاتی به شکل زیر مطرح می‌گردد:

- ۱- علل پیشرفت بهداشت و علوم پزشکی اروپا در خلال جنگ‌های صلیبی برگرفته از چه مسائلی بود؟
- ۲- نقش پزشکان ایرانی در پیشرفت بهداشت و پزشکی در اروپا چه اندازه بوده است؟
- ۳- تا چه میزان می‌توان تأثیر مسلمانان بر روند پیشرفت بهداشت و علوم پزشکی قرون وسطی را مورد بررسی قرار داد؟

اهمیت پژوهش

بررسی تأثیر علوم ایران اسلامی بر اروپای قرون وسطی از جنبه‌های مختلف یکی از موضوعات ارزشمند در مطالعات تاریخ به شمار می‌آید. این دوره به دلیل انتقال علوم مختلف از طریق جنگ‌های صلیبی، نقطه عطفی در تاریخ علمی اروپا به ویژه بهداشت و پزشکی محسوب می‌شود. بیمارستان‌ها و شیوه‌های نوین معالجه بیماران به عنوان یک رسانه عمل می‌کردند و مفاهیم نوین بهداشت و طبابت را برای اروپاییان به تصویر می‌کشیدند. نهضت ترجمه، ساخت بیمارستان و گسترش بهداشت در اروپا نشان‌دهنده تأثیر ناخودآگاه مسلمانان بر صلیبیون است.

در این میان، مطالعه پیشرفت بهداشت و علوم پزشکی اروپا در آن دوره می‌تواند به فهم بهتر از چگونگی شکل‌گیری ساختار پزشکی نوین در اروپا کمک کند. همچنین، بازخوانی این علوم می‌تواند الهام‌بخش پزشکان و

پیراپزشکان معاصر در ارتقای دانش پزشکی و بهداشت باشد. با توجه به اهمیت بررسی تاریخ پزشکی و ضرورت شناخت تأثیر آن بر روند پیشرفت جامعه قرون وسطی، این پژوهش هم از اهمیت علمی و تاریخی برخوردار است و هم به دلیل کمبود مطالعات دقیق در این زمینه، دارای ضرورت پژوهش می‌باشد.

پیشینه تحقیق

مطالب بسیاری در توصیف جنگ‌های صلیبی و اثرات آن نگاشته شده است و هرکدام از زوایای مختلف به این موضوع نگرسته‌اند. در این میان، یکی از مهم‌ترین مطالعات در این زمینه تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی نوشته سیریل الگود است که آمیزه‌ای از تاریخ اجتماعی و طب می‌باشد و رشد علم پزشکی ایران دوره اسلامی را به تصویر می‌کشد. در حالی که عبدالرئوف رضایی در کتاب نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال تمدن نگاهی کلی به گسترش تمام دستاوردهای علمی مسلمانان طی جنگ‌های صلیبی را دارد و تحلیلی برای یک موضوع خاص ندارد و خواننده با مجموعه‌ای طبقه‌بندی شده از تأثیرات علوم مختلف مسلمانان بر اروپاییان روبه‌رو می‌شود. دکتر علیرضا روحی در مقاله آثار و نتایج جنگ‌های صلیبی تأثیرات را از سه زاویه گوناگون اقتصادی، علمی و ادبی، اجتماعی و سیاسی بررسی کرده است. در مجموع در منابع مختلف به صورت تخصصی و تحلیلی به موضوع تأثیرات پزشکی اروپای قرون وسطی پرداخته نشده است، در مقاله حاضر نویسنده سعی دارد فقط به بهداشت و علم پزشکی مسلمانان و تأثیرات آن بر مسیحیان طی جنگ‌های صلیبی بپردازد.

جنگ‌های صلیبی

جنگ‌های صلیبی از مهم‌ترین رویدادهای قرون وسطی است. ۹ جنگ که حدود ۲۰۰ سال میان دو کیش بزرگ یعنی اسلام و مسیحیت رخ داد، باعث تغییرات عظیمی در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم دو منطقه شد. تقریباً بیشتر مورخان که درباره پیدایی و بروز جنگ‌های صلیبی قلم‌فرسایی کرده‌اند، گمان برده‌اند که علت بروز جنگ‌های صلیبی، آزار و اذیتی است که مسلمانان ساکن بیت‌المقدس نسبت به مسیحیان ساکن آن جا و زوار حرم شریف روا می‌داشتند. مورخان نوشته‌اند که نصاری ساکن قدس و زائران و مشتاقانی که از گوشه و کنار جهان، برای زیارت تربت عیسی می‌آمدند، مورد ضرب‌وشتم مسلمانان قرار گرفته و تنها در برابر پرداخت عوارض زیاد قادر به زیارت اماکن مقدسه می‌شدند (حمیدی، ۱۳۶۴: ۱۹۹). اگر این رویداد را یکی از علل فرعی بروز جنگ‌های صلیبی بدانیم، علت اصلی را می‌بایستی در رویدادها و قضایای دیگری جستجو کرد که در اروپای آن زمان روی داده بود. فتوحات مسلمین از شرق تا غرب، تسلط بر رم شرقی، گسترش سلطه بر اروپای جنوبی و پیشرفت آن‌ها تا اسپانیا، جنوب ایتالیا و جزیره سیسیل، اروپای مسیحی را سخت به وحشت انداخته بود.

شروع جنگ‌های صلیبی را می‌توان از سخنرانی پاپ اوربان دوم در جنوب فرانسه منطقه کلرمون دانست. وی داستان‌هایی از مظالم مسلمین روایت کرد. اشارت صریحی برای اغتنام فرصت برای منافع شخصی ایراد کرد و

صلیب‌هایی توزیع کرد تا بدان‌وسیله شوق و هیجان مستمعان را به منتهای اوج برساند و نقشه را در لفافه مفاهیم دینی بپوشاند. شاید در قرون وسطی، سخنرانی‌ای از آن موثرتر ایراد نشده بود (هیتی، ۱۳۸۲: ۳۲۹). نطق پاپ در دماغ شنوندگان که از اول آماده آن بودند تأثیر بخشیده و یک دفعه صدای «رضای الهی همین است» از آن جمعیت عظیم بلند شد. استعمال صلیب علامتی شد برای کسی که می‌خواهد مجاهد جنگ صلیبی شود. یک موج روانی شگرف که مرکز آن فرانسه بود همچون آتش وحشی در سراسر اروپا انتشار یافت، عالی و دانی، پیر و جوان را فرا گرفت و در بعضی موارد روستاها را از ساکنین آنها به کلی خالی کرد. برای توده‌ای که از نظر اقتصادی و اجتماعی مظلوم بودند در فرانسه، ایتالیا و سیسیل اقدام به گرفتن صلیب، بیشتر رهایی و فرج بود تا فداکاری (هیتی، ۱۳۸۲: ۳۳۱). و اینچنین بود که طی ۲ قرن ۹ جنگ بین مسلمانان و مسیحیان اتفاق افتاد.

تاریخچه علم پزشکی

در اندیشه برخی از مورخین است که علم پزشکی با آفرینش انسان هم زمان بوده و برخی به تبعیت از بقراط و جالینوس اساس علم پزشکی را نیمه الهی و نیمه تجربی می‌دانند. اعتقاد آن‌ها بر این است که فرضیه‌ها و اصول طب از طریق وحی مستقیم الهی بر بشر آشکار شده ولی اصول طبابت و وسایل درمان از منابع مختلف به دست آمده است؛ مانند قابیل که گورکنی را از یک زاغ فراگرفت (الگود، ۱۳۷۱: ۱۷).

پزشکی و بهداشت در ایران باستان دو موضوع بسیار مهم بوده به طوری که حکیم توس از آن بسیار سخن رانده و علم پزشکی را به جمشید نسبت می‌دهد. جمشید در دوران هفتصد ساله حکومت خود کشور را سرو سامان داد و در نهایت فن طبابت و روش‌های درمانی را کشف کرد.

دگر بوی‌های خوش آورد باز	که دارند مردم به بویش نیاز
چوبان و چو کافور و چون مشک ناب	چو عود و چو عنبر چو روشن گلاب
پزشکی و درمان هر دردمند	در تنبدرستی و راه گزند
همان رازها کرد نیز آشکار	جهان را نیامد چون او خواستار

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۴۴)

و در جاهای مختلف در شاهنامه از روش‌های درمانی گوناگونی که مبدع آن ایرانیان بودند سخن رانده شده است. به دنیا آمدن رستم پرآوازه‌ترین اشاره پزشکی شاهنامه است؛ چون نوزاد بسیار تنومند بود، سیمرغ دستور می‌دهد پزشکی کارآزموده پهلوی رودابه را بشکافد و نوزاد را بیرون آورد که امروزه به این روش سزارین می‌گویند. در شاهنامه چندین بار هم به روش بیهوش کردن برای درمان بیماری‌ها اشاره شده است و این کار با استفاده از می و داروهای خواب‌آور انجام می‌شده است.

از مندرجات وندیداد هم چنین استنباط می‌شود که پزشکان محلی ایران بعضی از بیماری‌ها را می‌شناختند و از خواص برخی از گیاهان و معجون‌های طبی باخبر بودند و کسانی که می‌خواستند از راه پزشکی زندگی کنند، قبل از

آغاز کار سه بار مورد آزمایش قرار می‌گرفتند؛ و اگر در سه مورد به نجات بیمار توفیق نمی‌یافتند برای همیشه از ادامه کار طبابت محروم می‌شدند (راوندی، ۱۳۸۲: ۵۰۱-۵۰۲).

در کتاب اوستا در مورد طبابت چنین آمده است:

کسی از (طبییان) به واسطه اشا معالجه کند کسی به واسطه قانون شفا بخشد کسی با کارد علاج نماید کسی با گیاه درمان دهد کسی با کلام مقدس شفا دهد در میان درمان‌بخشان درمان‌بخش‌ترین کسی است که با کلام مقدس شفا دهد کسی که امعاء و احشای مرد پاک را معالجه کند چنین کسی درمان‌بخش درمان‌دگان است (پورداد، ۱۳۷۷: ۱۴۳/۱).

در زمینه بهداشت عمومی هم باید اذعان داشت که تعلیمات دینی زرتشت درباره پاکیزگی کاملاً منطبق با اصول پیشگیری از بیماری‌ها بوده است (الگود، ۱۳۷۱: ۲۶). بر همین مبنا آلودن آتش، خاک، آب و گیاه ممنوع بوده است. در باور ایرانیان بهداشت و پیشگیری مهم‌تر از درمان بوده، چون آب، هوا و خاک را وسیله سرایت بیماری می‌دانستند وظیفه هر ایرانی پاک نگه داشتن این سه عنصر حیاتی بود (خالندی و افشار، ۱۳۹۶: ۱۲۵). از طرفی دیگر مقدس شمردن آب و نینداختن فضولات و کثافات و لاشه و مردار بر روی زمین از موضوعات بسیار مهم و جزو آداب و سنت‌های مذهبی بوده است و حمام نمودن و تغسیل و شست‌وشوی لباس در آب جاری ممنوع بوده است (خالندی و افشار، ۱۳۹۶: ۱۱۷). همچنین چون ایرانیان تا حدودی زیاد با بیماری‌های همه‌گیر آشنایی داشتند و این بیماری‌های همه‌گیر بر اثر آلودگی هوا، قابل سرایت می‌باشد، بنابراین در حفظ پاکی آن بیش از پیش می‌کوشیدند (خالندی و افشار، ۱۳۹۶: ۱۲۴). آنها بیماری‌های واگیر را اغلب مربوط به آب و هوا و بادهای ناسالم می‌دانستند و اصطلاح «هوای وبانی» از دوران باستان به طب اسلامی وارد شده است (Zaehner, 1955: 273). در نقش برجسته بار عام تخت‌جمشید فرنگه را می‌بینیم که در حال ادای احترام به پادشاه دست را جلوی دهان گرفته و با داریوش‌شاه صحبت می‌کند و نشان از نیالودن هوای مقدس آتشدان‌های مقابل شاه است.

لباس هخامنشیان هم طوری طراحی شده که هوا آلوده نشود آنها از باشلق استفاده می‌کردند تا سر و صورت از آب و هوای بد، مانند طوفان برف و شن و یا باران در امان باشد و برای پوشاندن دهان و بینی از دو انتهای باشلق استفاده می‌شد. زنان نیز به هنگام قربانی و در مراسم آیینی باشلق بر سر دارند تا نفس آنان با آتش در تماس مستقیم نباشد (کخ، بی‌تا: ۲۵۳).

در قیاس پزشکی ایران با همسایگانش، جمله‌ای از الگود سیریل بیان گر تبحر و دانش ایرانیان در علم پزشکی است «پزشکی ایران پیشرفته‌تر از آشور بود. حتی به جرأت می‌توان پا را فراتر گذاشت و گفت که ایرانیان اصول آن چیزی را که طب یونانی نامیده شده را به یونانیان تعلیم داده‌اند» (الگود، ۱۳۷۱: ۳۶). پس از توضیحات فوق، شاید بتوان گفت که بیشتر تلاش جامعه پزشکی ایران باستان در جندی‌شاپور به یک باره نمود پیدا می‌کند. از طرفی تلاش‌هایی هم در مرکزهای فرهنگی در هگمتانه (همدان)، شیزگان (نزدیک مراغه) و... انجام شده بود (تکمیل همایون، ۱۳۸۴: ۳۱).

جندی‌شاپور پس از پیروزی شاپور اول بر والرین به دستور وی ساخته شد و هنگامی که شاپور ذوالکفاف بر تخت سلطنت نشست آن جا را توسعه داد (تکمیل همایون، ۱۳۸۴: ۴۴). دانشگاه جندی‌شاپور در ایران پدید آمد، اما به لحاظ تعلیم و تعلم، همه ملت‌ها می‌توانستند از آن برخوردار باشند. استادان این دانشگاه از ملیت‌های گوناگون بودند. پزشکی هندی، یونانی و ایرانی در هماهنگی کامل تدریس می‌شد. به قول ساتورن بزرگ‌ترین مرکز فکری عصر بود و افکار یونانی، یهودی، مسیحی، سریانی و ایرانی می‌توانست در آن جا مقایسه، مبادله و تلفیق شود (تکمیل همایون، ۱۳۸۴: ۵۹). یکی از نقاط قوت جندی‌شاپور خاندان بختیشوع بود که حدود شش نسل از آنها به تدریس و طبابت مشغول بودند و تبحر آنها باعث شد که خلفای عباسی آنها را در بغداد به خدمت گرفتند. بدین شرح که خلفای عباسی در حومه بغداد در دهکده‌ای به نام «کرخ» شهر کوچکی بنا کردند؛ که محله‌ای از محلات بغداد شد. ایرانیان زیادی در این محله سکونت داشتند. در این محله اولین بیمارستان اسلامی بنا شد و توسعه یافت. در این بیمارستان که در حقیقت دانشکده پزشکی بغداد شد، اغلب پزشکان نامی بغداد من جمله خاندان بختیشوع (حلقه‌ی ارتباط پزشکی ایران باستان و ایران اسلامی)، به طبابت و خدمت پرداختند.

حتی داروسازی هم در این دوره پیشرفت شایانی کرد و بسیاری از داروها و گیاهان در کتاب‌های طبی عربی با همان نام‌های ایرانی خوانده می‌شود. امروز هم در زبان عربی قسمت عمده آنها دارای اسامی فارسی هستند. بدون شک علت اصلی این امر آن است که مآخذ اصلی این گونه کتاب‌ها آثار مشابه ایرانی بوده که در جندی‌شاپور وجود داشته و چون نخستین مؤلفین این کتاب‌ها هم از اطباء جندی‌شاپور و به زبان فارسی آشنا بوده‌اند، از این رو بسیاری از این اصطلاحات و تعبیرات به همان شکل اصلی در کتاب‌های آنها راه یافته و باقی مانده است (تکمیل همایون، ۱۳۸۴: ۹۰).

در مورد تاریخ پزشکی اعراب راوندی چنین نقل می‌کند: «در رشته طب نیز، عرب جاهلیت سخت بی‌مایه و بی‌اطلاع بود. کهنه، تنها غیب‌گویی نمی‌کردند بلکه به کار پزشکی نیز می‌پرداختند و حاصل مداوای آنان غالباً مرگ بود. ولی در رشته جراحی، در نتیجه محاربات و جنگ‌ها و خونریزی‌های دائمی که بین قبایل عرب معمول بود اطلاعات و تجاربی کسب کرده بودند؛ از جمله زخم‌ها و قرحه‌ها را با داغ کردن معالجه می‌کردند. زخم خوردگان و مجروحان را از نوشیدن آب منع می‌کردند و سر زخم‌ها را با وسایل ابتدایی که داشتند به هم می‌آوردند (راوندی، ۱۳۸۲: ۲۳).

در عصر عباسیان به دلیل توجه خلفای اولیه عباسی به علم‌آموزی و تعاملات علمی بین دانشمندان اهل کتاب و حضور دانشمندان ایرانی به دربار عباسیان بسیاری از علوم و آثار معتبر تمدن‌های مختلف به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مرکز خلافت، بغداد منتقل و به زیان عربی ترجمه گردید. با شروع عصر ترجمه و برپایی مجالس بحث و مناظرات علمی در سرزمین‌های تحت سیطره حکومت اسلامی به روند و پیشرفت علمی کمک شایانی نمود و عاملی شد تا عالمان بزرگی از میان مسلمانان ظهور کنند (اکبری و سلیم، ۱۴۰۰: ۶۲) و به حوزه‌های مختلف علمی به ویژه علم پزشکی، جانی تازه بخشند.

چنان که ملاحظه می‌شود، تقریباً عموم اطبای دوران خلافت عباسی، غیرعرب بودند و این مطلب دلیل واضح و روشنی مبنی بر آن است که طب اسلامی نتیجه زحمات و خدمات اطبا غیرعرب است که مسلمانان باعث رشد و گسترش آن شدند (نجم‌آبادی، ۱۳۷۵: ۱۸۶).

تأثیر علم پزشکی شرق بر غرب طی جنگ‌های صلیبی

پس از بررسی تاریخچه پزشکی در ایران باستان، پیشرفت چشم‌گیر و تأثیر آن بر ایران دوره اسلامی، به اثرات آن بر اروپای قرون وسطی طی جنگ‌های صلیبی پرداخته می‌شود.

ابتدا کتاب‌های علمی بررسی می‌گردد؛ در اروپا حتی یک کتاب هم وجود نداشت که سرچشمه اصلی آن از کشورهای اسلامی نبوده و یا از آن مأخذ تأثیر نگرفته باشد. اگر لغات عربی کتاب‌های آن زمان اروپا گویای این واقعیت نمی‌بودند، همان محتوا و مضمون آن‌ها خود، این حقیقت را برملا می‌ساختند. از همه بیشتر آثار ابن سینا، ابوالقاسم زکریای رازی، ابن زهر، حنین ابن‌اسحاق و اسحق یهودا مطالعه و از آنها نقل قول می‌شد (هونکه، ۱۳۸۳: ۳۱۰).

یکی از مهم‌ترین متون فارسی در رشته پزشکی در این دوره کتاب مشهور و ارجمند ذخیره خوارزمشاهی تألیف اسماعیل بن حسن جرجانی از سادات اصفهان و پزشک دربار سلطان علاءالدین تکش خوارزمشاه است که در سال ۴۳۴ هجری متولد و در سال ۵۳۱ هجری دیده از جهان فرو بسته است. این کتاب یکی از منابع مهم دانش‌پژوهان قرون وسطی به شمار می‌رود

(راوندی، ۱۳۸۲: ۲۹۸). نویسنده، کتاب خود را که دارای نثری روان و بدون زرق و برق ادبی می‌باشد و جامع‌ترین متن پزشکی به زبان فارسی در آن تاریخ بوده را به ولی نعمت خود حاکم خوارزم؛ قطب‌الدین محمد خوارزمشاه تقدیم می‌نماید.

کتاب کامل الصناعه تألیف پزشک معروف مسلمان علی بن عباس مجوسی است که در غرب به الملکی معروف است. این کتاب شامل ۲ جلد و هر یک دارای ۱۰ مقاله است. تا اواسط قرن ۱۶م در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد. بعضی این اثر را پایه‌گذار طب اروپا می‌دانند (رضایی، ۱۳۸۶: ۹۲). این کتاب توسط استفان انطاکی از مردم پیزای ایتالیا در سال ۱۱۲۷ میلادی در انطاکیه ترجمه شد و تنها کتابی است که مسیحیان صلیبی با خود به اروپا بردند (روحی و رشتی، ۱۳۹۱: ۱۰۷). کتاب به زبان عربی نگاشته شده و شیوه مؤلف در نگارش این اثر، شیوه رایج بین اطبای گذشته است؛ یعنی در ابتدا به بیان کلیات می‌پردازد، آن گاه در بخش عملی کتاب، بحث بیماری‌های بدن از سر تا پا و معالجات آنها و نیز شناخت ادویه‌ها و خواص‌شان را متذکر می‌شود.

ابن‌سینا؛ پزشک معروف ایرانی تمام سرنخ‌های علوم مورد علاقه خود را یکجا گرد هم آورد و در آثار خود به نمایش گذاشت. دانش پزشکی به ویژه حوزه چشم در دوران این پزشک تا حدودی پیشرفته بود (نجاران و

همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۶). معروف‌ترین کتاب ابن‌سینا قانون، به زبان عربی نگارش شده و ترکیبی از کتاب‌های پزشکی قبل از زمان ابن‌سینا و تجارب زمان نویسنده است.

ابن‌رشد هم از طبیبان بزرگ دوران خود بوده و نخستین کسی است که کار شبکه چشم را شرح داد و گفت هر که آبله بگیرد از ابتلای مجدد به این مرض مصون می‌شود. فرهنگ‌نامه او به نام الکلیات من الطب به لاتین ترجمه شد و در قلمرو مسیحی شهرت بسیار یافت (راوندی، ۱۳۸۲: ۳۶۵).

علی بن رین طبری، پزشک و داروشناس سده سوم و نویسنده فردوس‌الحکمه است. نویسنده در این کتاب که دائره‌المعارفی طبی است، از نظرات بقراط، جالینوس، ارسطو، ابن‌ماسویه، حنین‌بن‌اسحاق و رساله‌های هندی و دیگر آثار گذشتگان، بهره‌ای وافر برده است.

از دیگر دانشمندانی که کتاب‌هایش مورد استقبال اروپاییان قرار گرفت، محمدبن زکریای رازی نویسنده کتاب الطب الروحانی است. کتاب الطب الروحانی رساله‌ای در زمینه اخلاق و روان‌شناسی به زبان عربی نگاشته شده است و رازی در این اثر با تأکید بر عقل و خرد رذایل اخلاقی را بررسی کرده است. وی نخستین طبیبی بود که علل روحی و روانی را در معالجه و طبابت درک کرد.

مسلمانان با تلاش و ممارست بر دانشی که جمع‌آوری کرده بودند افزودند و تألیفات جدید نگاشتند و این علوم از طریق سیسیل، اسپانیا و همچنین بعد از جنگ‌های صلیبی به مراکز علمی تازه تأسیس شده اروپا نفوذ کرد. در نتیجه رفت و آمدها، مدارس و دانشگاه‌های اروپا رونق پیدا کرد و علوم اربعه و ثلاثه^۱ در آن‌ها راه یافت (رمضان‌پور، ۱۳۸۲: ۲۶).

مورد دیگری که بررسی آن ضروری می‌نماید بیت‌الحکمه‌ها است که بر رونق علمی و گسترش دانش مسلمانان از قرن سوم تأثیر گذاشتند. رونق علمی در حوزه تمدن اسلامی، به ویژه در مرکز آن، چنان بود که تا حدود دویست سال، بغداد را به عنوان مرکز علمی جهان اسلام و پایگاه علمی دنیای شناخته‌شده آن روز قرار داده بود. تشویق دستگاه خلافت و اهتمام خاندان‌های دانش‌دوست در به کارگیری دانشمندان و تولیدات علمی ملل مختلف، اساس نهضت ترجمه را تشکیل می‌داد و نقش کتاب‌های ترجمه شده در ارتقای دانش مسلمانان را می‌توان از محتوای آثار اولیه علمی مسلمانان دریافت کرد. دستگاه خلافت از به کارگیری دانشمندان با هر مذهب و قومیتی اعراض نداشت و از اعزام آن‌ها به دربار ممالک غربی و شرقی برای دریافت کتاب‌های علمی جهت ترجمه نیز دریغ نمی‌کرد (ابن‌ندیم، بی‌تا: ۴۴۴). بیت‌الحکمه‌ها و دارالحکمه‌ها در زمینه‌های پژوهشی از دانشگاه جندی‌شاپور پیروی می‌کردند. این دانشگاه در انتقال فرهنگ ایرانی به جغرافیای عرب‌نشین بسیار مؤثر بود؛ زیرا گمان می‌رود تنها مرکز علمی ایرانی بوده باشد که در سراسر دوره فترت، از اضطراب و آشفتگی برآمده از یورش اعراب مأمون ماند و پس از فرا رسیدن عصر آرامش آثار گوناگون علمی‌اش به دست اعراب و مسلمانان افتاد و از سوی دیگر دانش‌آموختگان آن جا طب را نزد مسلمانان بنیاد گذاردند و آثار گرانبهایی از خود بر جا نهادند (شعبانی و جلالی، ۱۳۹۵: ۱۲۵). چنان که

۱- علوم اربعه شامل هندسه، نجوم، موسیقی، حساب و علوم ثلاثه شامل دستور زبان، معانی بیان، و منطق بوده است.

سالرنو^۱ قدیمی‌ترین دانشگاه اروپا که در ایتالیا بود؛ تحت تأثیر مدارس اسلامی قرار داشت (زرین‌کوب، ۱۳۹۱: ۴۵). از طرفی دیگر جنگجویان صلیبی که تحت تأثیر بیمارستان‌های مهم کشورهای اسلامی قرار گرفته بودند؛ همچنان به اروپا بازگشتند و خواستار تأسیساتی شبیه آن‌ها شدند. به این مناسبت پاپ اینوستنس سوم به یکی از مؤسسات کلیسایی دستور بنای بیمارستانی را داد. با وجود این، هنوز هم آن رابطه ثنوری و عمل، که در بین مسلمانان معمول بود، در این جا برقرار نشد. تازه در سال ۱۵۰۰ میلادی بیمارستان اشتراوس بورگ (در آلمان) دارای یک پزشک شد (هونکه، ۱۳۸۳: ۳۱۶). همین‌طور می‌توان گفت مؤسسات بهداشتی، بیمارستان‌ها و مریضخانه‌های ویژه جذامیان، که از قرن دوازدهم به بعد در اروپا پدید آمدند، بنیاد این بیمارستان‌ها و روش درمان آن‌ها از شرق اسلامی مایه گرفته است (نوذری، ۱۳۸۲: ۱۸۰).

مهم‌ترین موضوع قابل بحث در این مقاله درمان و مداوا است. در خلال جنگ‌های صلیبی، جنگجویان صلیبی چون به کار معالجه و درمان پزشکان خود اعتماد نمی‌کردند، در نتیجه ترجیح می‌دادند تا بیماری‌های پوستی، ناراحتی‌های گوارشی و سایر بیماری‌ها را به وسیله پزشکان مسلمان معالجه کنند زیرا مداوای بیماران توسط پزشکان مسیحی بسیار وحشتناک بود (رضایی، ۱۳۸۶: ۸۷). مثلاً پزشکان غربی برای معالجه عفونت‌ها، چرک در محل زخم را لازم می‌دانستند و محل زخم را با سفیده تخم مرغ و روغن گل سرخ می‌بستند تا زخم به خوبی چرک کند! (رضایی، ۱۳۸۶: ۹) بعدها هوگو (به تقلید از پزشکان مسلمان) دریافت که لزومی ندارد محل زخم را رها کند تا چرک کند، در عوض جراحان مسلمان با بستن زخم و به کار بستن الکل برای ضدعفونی کردن زخم و استراحت دادن به بیماران برای مدت پنج یا شش روز، جراحات را زودتر و ایمن‌تر معالجه می‌کردند (رضایی، ۱۳۸۶: ۹۰).

یکی از کسانی که به طبابت صلیبی‌ها کمک کرد و آنان را تحت مداوا قرار داد، طبیب مشهور مسلمانان اسامه بن منقذ بود. این شخص بنا به درخواست و اصرار صلیبی‌ها در قلعه المنظیره مشغول معالجه صلیبی‌ها شد (رضایی، ۱۳۸۶: ۸۷) و دیگری همان‌طور که قبلاً هم ذکر کردیم هوگو می‌باشد؛ یکی از کسانی بود که پس از جنگ‌های صلیبی در سال ۱۲۲۱ میلادی به وطن خود بازگشت و تجربیاتی را که در جنگ‌های صلیبی به دست آورده بود، در طول سی سال خدمت به بیماران ایالت بولونیا، به کار برد. از جمله آن که روش بیهوش کردن بیماران را که از مسلمانان آموخته بود به پسران و نوه‌هایش آموخت (رضایی، ۱۳۸۶: ۹۱). مسیحیان از مسلمانان آموختند که تکه‌های کوچک اسفنج را با عصاره‌ای از حشیش، بسلی و بنگ آغشته کرده و آن را در آفتاب خشکانیده و هنگام مصرف، آن تکه اسفنج را دوباره مرطوب کرده و در داخل بینی بیمار فرو برند. به این ترتیب مخاط بینی آن مواد را جذب کرده و بیمار به خواب عمیق بیهوشی فرو می‌رفت؛ به طوری که درد غیرقابل تحمل جراحی و یا قطع اعضا و جوارح بدن را احساس نمی‌کرد (هونکه، ۱۳۸۳: ۲۸۱). از طرفی با آشنایی مسیحیان با آثار پزشکی مسلمانان،

کالبدشناسی انسان جای کالبدشکافی خوک را گرفت. درمان بیماری‌های چشمی و قابلگی متحول شد و پزشکان اروپایی آموختند ادرار را آزمایش کنند، نبض را شمارش کنند و تب را درجه‌بندی کنند (انتظار ریحانی، ۱۳۸۰: ۵۸). مسلمانان در زمینه بهداشت هم مسیحیان را متأثر کردند. به طوری که پزشکان مسلمان به شستشو و حمام بخار مخصوصاً به هنگام تب، اهمیت فراوان می‌دادند (رضایی، ۱۳۸۶: ۸۶) زیرا نظافت در بین ایرانیان از دوران باستان نهادیه شده بود؛ در جنوب غربی صغه تخت جمشید، در ساختمانی کاخ مانند از حمامی آواربرداری شده است کف حمام و سکوهایی که در سه جانب آن ساخته‌اند تماماً آجر فرش است. حمام کف‌شویی دارد که با صفحه‌ای گرد و سوراخ‌دار پوشانده می‌شود. از تناسب فضا، دقت در ساخت و کیفیت مصالح، به خوبی معلوم می‌شود که ایرانیان روی ساخت حمام‌های‌شان حساس بوده‌اند (کخ، بی‌تا: ۱۹۲). از طرفی اسلام هم نظافت را نشانه ایمان می‌داند. این عوامل باعث شد که مسلمانان به بهداشت توجه ویژه داشته باشند و به صلیبیون هم انتقال دهند.

نتیجه‌گیری

در بررسی مطالب فوق چنین نتیجه‌گیری می‌شود که گرچه صلیبیان در ظاهر در مأموریت خود برای تسخیر بیت‌المقدس شکست خوردند اما ناخواسته با کسب فرهنگ و اندیشه تمدنی مسلمانان، اروپا را وارد مرحله نوینی کردند؛ به طوری که اروپاییان لباس‌های شرقی پوشیدند، روی فرش نشستند، با صنعت چاپ و قطب‌نما آشنا شدند و پزشکان مسلمان استخدام کردند.

در واقع در دو سوی رویارویی تمدن شرقی و غربی این اروپاییان بودند که نفع بیشتری بردند، به خصوص در علم پزشکی. پزشکی و بهداشت به علت نهادینه بودن آن در بین مردم ایران و توصیه‌های مکرر اسلام مبنی بر نظافت پویا بوده است و این علم بعد از جنگ‌ها به مراکز علمی تازه تأسیس اروپا نفوذ کرد و اروپاییان توانستند با گردآوری و ترجمه آثار مسلمانان در حوزه پزشکی و بهداشت، تجارب به دست آورده از جنگ، پای به عصر رنسانس بگذارند.

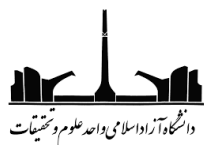
دستاوردهای این تأثیرات برای صلیبیان در حوزه پزشکی چنین می‌باشد:

- ۱- آشنایی اروپاییان با آخرین دستاوردهای پزشکی دنیا
- ۲- ایجاد انگیزه در اروپاییان در جهت پیشرفت علم پزشکی
- ۳- تأسیس مراکز درمانی مدرن
- ۴- رشد مراکز دانشگاهی اروپا به واسطه تدریس آثار پزشکان ایرانی مسلمان در دانشگاه‌های اروپایی

منابع

- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶). *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر.
- اکبری، محمود؛ سلیم، محمدنبی (۱۴۰۰). «نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال طب اسلامی ایران به اروپا»، *اخلاق و تاریخ پزشکی*، ش ۱، ۲۱۶-۲۲۸.
- انتظار ریحانی، حسین (۱۳۸۰). «جنگ‌های صلیبی و انتقال علوم جهان اسلام به غرب»، *کیهان فرهنگی*، ش ۱۷۹، ۵۳-۵۹.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۷۷). *یشت‌ها*، ج ۲، تهران: اساطیر.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۴). *گندی‌شاپور*، تهران: پژوهش‌های فرهنگی.
- حمیدی، سید جعفر (۱۳۶۴). *تاریخ اورشلیم*، تهران: سپهر.
- خالندی، انور؛ افشار، شنو (۱۳۹۶). «بررسی بهداشت عمومی در ایران باستان با تکیه بر بهداشت آب و خاک و هوا»، *تاریخ‌نامه خوارزمی*، ش ۱۸، ۱۱۳-۱۲۶.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۱۰، تهران: نگاه.
- رضایی، سید عبدالرئوف (۱۳۸۶). *نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال تمدن اسلامی به غرب*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- رمضان‌پور، محمد (۱۳۸۲). *اندلس، مظهر اسلام در اروپا*، مشهد: گل نشر.
- روحی میرآبادی علیرضا؛ رشتی، بهاره (۱۳۹۱). «آثار و نتایج جنگ‌های صلیبی»، *پژوهش در تاریخ*، ش ۷، ص ۹۹-۱۲۰.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۱). *کارنامه اسلام*، تهران: امیرکبیر.
- شعبانی، امامعلی؛ جلالی مشایخی، مریم (۱۳۹۵). «جایگاه علمی مکتب پزشکی جندی‌شاپور»، *سخن تاریخ*، ش ۲۳، ۱۱۷-۱۳۷.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). *شاهنامه*، تهران: الهام.
- کخ، هایدماری، (بی‌تا). *از زبان داریوش*، تهران: کارنگ.
- الگود، سیریل (۱۳۷۰). *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه باهر فرقانی، تهران: امیرکبیر.
- منتظرالقیام، اصغر؛ نجاران، مصطفی؛ علیزاده مقدم، بدرالسادات (۱۴۰۰). «نقش و جایگاه حنین بن اسحاق و ابن‌سینا در تکامل دانش چشم‌پزشکی»، *علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ش ۴۵، ۱۵۱-۱۷۲.
- نوذری، عزت‌اله (۱۳۸۲). *اروپا در قرون وسطی*، شیراز: نوید شیراز.
- هونکه، زیگرید (۱۳۸۳). *فرهنگ اسلام در اروپا*، ترجمه مرتضی رهبانی، تهران: فرهنگ اسلامی.
- هیتی، فیلیپ خوری (۱۳۸۲). *شرق نزدیک در تاریخ*، ترجمه قمر آریان، تهران: علمی و فرهنگی.
- Zaehner, R.C. Zurvan, (1955). *A Zoroastrian Dilemma*, Oxford.

Researches on the History of Iran during the Islamic Period



Scientific Quarterly Vol 2 Issue 3 Autumn 2025

Iranian health and medical sciences in Europe (case study: the scope of the Crusades)

Nasrin Hoseini niasar^{1*} , Abolfazl Asl alizadeh² 

Received: 13.05.2025

Accepted: 29.09.2025

Abstract

Despite the violence, ruthless massacres, and even the lack of a decisive victory for Christians, the Crusades can be considered a turning point in European history, that led to new transformations in medieval Europe. Aside from the transformation in the political, scientific, literary, artistic, and architectural fields, the most important event was the development in the field of health and medical sciences. Europeans, who considered surgery to be a dishonorable profession and viewed the surgeon as hated as the executioner, under the influence of Muslim scientists and the translation of medical books, the most important of which was IbnSina's law, and observing the treatment of warriors by Muslim physicians, entered a new phase to the extent that they built public baths. They built a hospital on the order of Pope Innocent III, and used modern medical methods that were the result of the Crusades, even long after the beginning of the Renaissance, such as using alcohol instead of egg and rose ointment, which mostly caused wound infection. Undoubtedly, Christians, greatly benefited from Islamic knowledge, thought in confrontation with Muslims, and elevated it over the following centuries. Therefore, this research is an attempt to examine the causes of the development of health and medical sciences in medieval period Europe meanwhile the Crusades using the descriptive and analytical methods common in historical research and relying on the available sources and books in the country.

Keywords: Health, Muslim, medicine, Crusaders, persian

1- Department of History and Archaeology, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author), Email: nasrin.hoseini@iau.ac.ir

2- Department of History and Archaeology, Islamic Azad University, TeMS.C., Tehran, Iran. Email: Asl.alizadeh.abolfaza@sub.ac.ir

Extended abstract

Iranian Hygiene and Medical Sciences in Europe (Case Study: The Period of the Crusades)
The Crusades, despite their violence, brutal massacres, and even the lack of a decisive victory for the Christians, can be considered a turning point in European history, leading to profound transformations in medieval Europe. For two centuries, the wars between Muslims and Christians over the conquest of Jerusalem—known as the Crusades—and involving influential figures such as Saladin, Louis VII, Conrad III, Frederick II, and Pope Urban II, gave rise to events whose consequences proved particularly beneficial for medieval Europe. Beyond the political, scientific, literary, artistic, and architectural changes, these encounters also contributed significantly to advances in hygiene and medical sciences. This study examines the progress of ancient Iranian medical science, its impact on Islamic-era Iran, and its influence on medieval Europe during the Crusades, through three main approaches. First, scientific texts are reviewed: since medicine and hygiene were vital subjects in ancient Iran, the Avesta, Vendidad, and later Shahnameh discuss diseases and methods of treatment. The birth of Rostam provides one of the most notable medical references in the Shahnameh: because the infant was unusually large, the Simurgh instructed an experienced physician to cut Rudabeh's side and deliver the child—what is today known as a Caesarean section. These sciences were later transmitted to Islamic Iran, where Muslims, through effort and diligence, expanded upon the accumulated knowledge, authored new works, and eventually transferred this knowledge to the newly established scientific centers of Europe via Sicily, Spain, and, especially after the Crusades. In fact, in medieval Europe, scarcely a single book existed that was not either originally from the Islamic world or deeply influenced by it. Another vital subject is the Bayt al-Hikmah (House of Wisdom), which greatly fostered the flourishing of science and the expansion of Muslim knowledge. This institution played a crucial role in transferring Iranian culture to the Arab world, and it is believed to have been perhaps the only Iranian scientific center to survive the turmoil and disruption caused by the Arab conquests. In the subsequent era of stability, its diverse scientific works came into Muslim hands, and its graduates laid the foundation of medical science in the Islamic world. The treasures they left behind were later transmitted to medieval Europe. The University of Salerno in Italy, the oldest in Europe, was itself strongly influenced by Islamic schools. The most significant subject of this article is treatment and healing. Europeans, who considered surgery a dishonorable occupation—regarding surgeons as contemptible as executioners—entered a new stage of medical science under the influence of Muslim scholars. So much so that, at the order of Pope Innocent III, hospitals were established. Instead of using egg yolk and rose ointment, which often caused wound infections, alcohol began to be employed. During the Crusades, crusaders, distrustful of their own physicians, preferred to rely on Muslim doctors for the treatment of skin diseases, digestive disorders, and other illnesses, since the care provided by Christian physicians was often dreadful. Moreover, hygiene had been institutionalized among Iranians since ancient times, and Islam further emphasized cleanliness as a sign of faith. These factors led Muslims to pay particular attention to hygiene, which they transmitted to the Crusaders as well. From the above discussion, it can be concluded that although the Crusaders failed in their explicit mission to conquer Jerusalem, they inadvertently absorbed the culture and civilizational thought of Muslims, ushering Europe into a new phase. Europeans adopted Eastern clothing, sat upon carpets, became familiar with printing and the compass, and even employed Muslim physicians. In the confrontation

between Eastern and Western civilizations, it was ultimately the Europeans who derived greater benefit, particularly in medical science. The study of the influence of Iranian-Islamic sciences on medieval Europe is one of the valuable topics in historical studies. This era, due to the transmission of knowledge through the Crusades, represents a pivotal moment in the scientific history of Europe, especially in the fields of hygiene and medicine. Hospitals and new methods of treatment functioned as a medium, presenting Europeans with new concepts of healthcare and medical practice. The translation movement, the establishment of hospitals, and the expansion of hygiene in Europe reveal the unconscious impact of Muslims on the Crusaders. Exploring the development of hygiene and medical sciences in Europe during this period can contribute to a better understanding of the formation of modern medical structures in Europe. Furthermore, revisiting this knowledge may inspire contemporary physicians and paramedics in advancing medical and healthcare sciences. Considering the importance of studying medical history and recognizing its impact on the progress of medieval society, this research holds both scientific and historical significance, as well as urgency due to the scarcity of detailed studies in this field. Much has been written about the Crusades and their consequences, with each work approaching the subject from different perspectives. However, in most sources, the specific medical implications for medieval Europe have not been examined analytically. In the present article, the author aims to focus exclusively on Muslim hygiene and medical science and their effects on Christians during the Crusades. Accordingly, this research analyzes the causes of progress in hygiene and medical sciences in medieval Europe during the Crusades through descriptive and analytical methods typical of historical studies, based on available sources and works in the country. The following research questions are posed: What factors contributed to the advancement of hygiene and medical sciences in Europe during the Crusades? To what extent did Iranian physicians contribute to the progress of hygiene and medicine in Europe? To what degree can the influence of Muslims on the development of hygiene and medical sciences in the Middle Ages be examined?